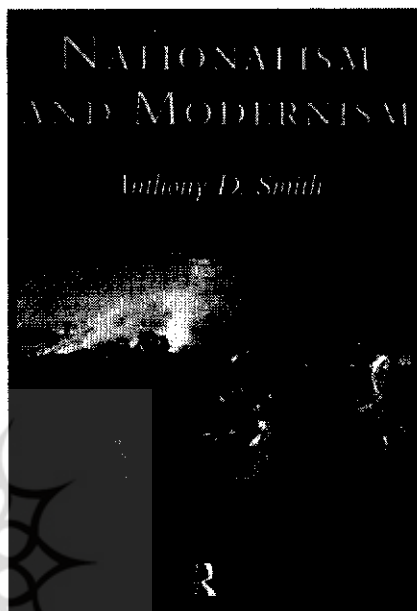


در ۲۷۰ صفحه توسط انتشارات راتلج چاپ شده است.

این کتاب سرشار از اطلاعات است و نویسنده می‌کوشد تا در پرتو مقولهٔ نوگرایی، تمامی نظریات رایج دربارهٔ ملی‌گرایی را گردآورد. کتاب «ملی‌گرایی و نوگرایی» دارای دو بخش اصلی است؛ در بخش اول نویسنده در زیر عنوان «تسנוعات نوگرایی»، در پنج فصل کوشیده است تا نظریات نوگرایانه ملی‌گرایی را تشریح و از همدیگر متمایز سازد. در بخش دوم، نویسنده تلاش کرده تا در پرتو انتقاد از نظریه‌های نوگرایانهٔ ملی‌گرایی، دیدگاه‌های مغایر با آن را معرفی و طبقه‌بندی کند.

اما همان‌طور که پروفیسور جان استون ادعان می‌کند، یکی از ویژگی‌های برجسته این اثر، مشارکت فعالانه خود نویسنده است. آنتونی اسمیت که عمر خود را صرف مطالعه دربارهٔ پدیدهٔ ملت‌ها و ملی‌گرایی کرده است، همان‌گونه که خود می‌گوید، دارای



معرفی کتاب:

### ملی‌گرایی و نوگرایی

Anthony D. Smith, *Nationalism and Modernism*, London and New York, Routledge, 1998.

کتاب «ملی‌گرایی و نوگرایی»، اثر آنتونی اسمیت با عنوان فرعی «مطالعه‌ای انتقادی دربارهٔ نظریه‌های اخیر ملت‌ها و ملی‌گرایی» در سال ۱۹۹۸

دیدگاه نمادگرایی - قومی<sup>۱</sup> است. (ص ۲۲۴)

محور بحث اسمیت در این کتاب، ارتباط ظهور پدیده ملی‌گرایی با نوگرایی است. نوگرایی مورد نظر وی نیز مترادف با «نوسازی» یورگن هابرماس می‌باشد، به نظر هابرماس، تجدد محصول فرایندهایی از قبیل سرمایه‌داری، صنعتی شدن، شهرنشینی و ... است که وی آنها را فرایندهای نوسازی می‌نامد.

در این‌جا نیز منظور مؤلف از نوگرایی دقیقاً همین فرایندهایی است که به تجدد شکل داده‌اند. گویا اسمیت با اندکی تسامح از اصطلاح نوگرایی بهره می‌گیرد؛ شاید بهترین تعبیر برای وی همانی باشد که یورگن هابرماس از «نوسازی» ارائه داده است. باین‌وجود، هدف نویسنده تفکیک نظریه‌های مربوط به ملی‌گرایی برمبنای نوگرایی است. او این نظریه‌ها را به دو دسته عمده تقسیم می‌کند: نظریه‌هایی که در مطالعات خود، ظهور و پیدایش ملی‌گرایی را با پیدایش تجدد پیوند می‌زنند و نظریه‌هایی که

ملی‌گرایی را بخشی از فرایند تکاملی تجدد و از ضروریات کارکردی<sup>۲</sup> آن می‌دانند. مؤلف بخش اول کتاب خود را به شرح و توضیح این دیدگاه‌ها اختصاص داده است. بخش دوم کتاب، به نقد نظریات فوق اختصاص دارد. او به نحوی منطقی تقدم و تاخر زمانی پیدایش نظریه‌ها را رعایت کرده است.

نویسنده می‌گوید، انگاره نوگرایانه ملی‌گرایی از اواسط قرن بیستم شکل گرفت و تا دهه ۱۹۷۰، به عنوان نظریه غالب شناخته می‌شد. از اواخر دهه ۱۹۷۰ به این سو، نظریه‌های جدیدی مطرح می‌شوند که به‌طور کلی از اصول انگاره‌ای آن گفتمان جدا می‌شوند و مبانی انگاره‌ای خاص خود را دارند.

مؤلف در فصل نخست کتاب با عنوان «ظهور نوگرایی متقدم»، مسائل عمده سه‌گانه در نظریه ملت‌ها و ملی‌گرایی را مطرح می‌کند؛ به نظر وی این سه مسأله عبارت‌اند از: مسأله قومی

1- Ethno-Symbolism

2- Functional

ملّی‌گرایی - مارکس، فروید، وبر و دورکهایم - می‌پردازد. (صص ۱۱ و ۱۲)  
 نویسنده بر مبنای دیدگاه‌های مختلف، به تفکیک رهیافت‌های نوگرایانه ملّی‌گرایی نائل می‌شود و پنج فصل بعدی کتاب وی به بررسی بنیادهای فکری مختلف در انگاره مسلط یاد شده اختصاص دارد.

در فصل دوم کتاب با عنوان «فرهنگ صنعت‌گرایی»، عمدتاً دیدگاه‌های ارنست گلنر<sup>۲</sup> به نقد کشیده می‌شود. گلنر ظهور ملّی‌گرایی را به نقش جدید فرهنگ زبانی<sup>۳</sup> در جهان نو نسبت می‌دهد. (ص ۲۸) و می‌افزاید، در واقع این نیاز رو به رشد بود که ملّی‌گرایی را به وجود آورد، نه چیز دیگر. (ص ۲۹) گلنر تاریخ را به سه مرحله متفاوت تقسیم‌بندی می‌کند؛ مرحله ماقبل کشاورزی، کشاورزی و صنعتی. به نظر وی، ملّی‌گرایی فقط ضرورت کارکردی مرحله سوم یعنی مرحله

و فلسفی، که به نقش ملت در مسائل بشری مربوط می‌شود و پرسش قابل تأمل این ساحت این است که آیا ملت فی‌نفسه یک ارزش یا غایتی درخور<sup>۱</sup> است یا ملت و هویت ملی ابزارهایی برای تحقق خواست‌ها و اهداف دیگر هستند؟ مسأله عمده دوم، انسان‌شناختی و سیاسی است که به تعریف اجتماعی ملت مربوط می‌شود و آن، این است که چه نوع اجتماعی را می‌توان ملت نامید و روابط فرد با این اجتماع چگونه است. مسأله عمده سوم تاریخی - جامعه‌شناختی است که به جایگاه ملت در تاریخ بشریت مربوط می‌شود. سؤال قابل طرح این می‌باشد که آیا ملت پدیده‌ای تاریخی و قدیمی است یا فرایندهای اجتماعی دوران اخیر آن را پدید آورده‌اند. (ص ۸) به اعتقاد او در تمامی مباحثات راجع به ملّی‌گرایی این سه مسأله، جوهره اصلی بحث را تشکیل می‌دهند. اسامیت در فصل حاضر که به نوعی در حکم مقدمه بحث می‌باشد، به بررسی دیدگاه‌های بنیانگذاران متقدم انگاره نوگرایانه

1- End in self      2- Ernest Gellner

3- Linguistic Culture

نوگرایی سیاسی در تحلیل ملی‌گرایی از سه منشاء سرچشمه می‌گیرد: ۱- تأکید و بر در مورد روابط سلطه (دیوان سالاری)، ۲- تحلیل مارکسیستی از شکاف فزاینده بین دولت و جامعه مدنی در عصر جدید و ۳- منازعه بومی بین دولت‌ها و جوامع (زیمل). محور بحث نگارنده در این فصل آراء و افکار آنتونی گیدنز است. به نظر گیدنز، ملی‌گرایی هم‌زمان با پیدایش دولت‌های مطلقه شکل گرفته است (صص ۷۵-۷۳) و فقط باید در راستای عملکرد دولت مورد تحلیل قرار گیرد. به اعتقاد گیدنز «ملی‌گرایی قادر است قدرت را در دولت متمرکز کند زیرا فقط ملی‌گرایی است که می‌تواند حمایت توده‌ای را جلب کند و گروه‌های اجتماعی مختلف را گرد هم آورد و منافع متعارض را با یکدیگر هماهنگ سازد.» (ص ۸۵) ملی‌گرایی به این معنا، ایدئولوژی است و کارکرد آن بسیج توده‌هاست.

صنعتی است. او رشد صنعتی را مستلزم استانداردهای فرهنگی می‌داند و می‌گوید، نظام آموزش عمومی، در عصر جدید، وظیفه دارد تا شهروندانی همسان پرورش دهد و ملی‌گرایی در واقع فرایند یکسان‌سازی شهروندان می‌باشد. (صص ۳۹-۳۶-۳۵) فصل سوم با عنوان، «سرمایه‌داری و ملی‌گرایی»، عمدتاً به بحث درخصوص دیدگاه‌های مارکسیستی، به‌ویژه به نگرش تام نایرن<sup>۱</sup> می‌پردازد، به نظر اسمیت، مارکسیست‌ها، صرف‌نظر از برخی تفاوت‌ها، منازعات ملی‌گرایانه را به عملکردهای مرحله خاصی از سرمایه‌داری تسلیل می‌دهند. (ص ۴۸)

تام نایرن، عامل اصلی پیدایش ملی‌گرایی را توسعه نابرابر<sup>۲</sup> می‌شمارد. بنابراین، در این‌جا نیز ملی‌گرایی محصول فرایند نوسازی است و یک ضرورت کارکردی تلقی می‌شود.

اسمیت در فصل چهارم با عنوان «دولت و ملت»، ابعاد سیاسی پیدایش ملی‌گرایی را بررسی می‌کند. به باور او

1- Tom Nairn

2- Uneven Development

و تسخیل» آخرین گرایش تحلیلی نوگرایانه از ملّی‌گرایی را مورد بحث قرار می‌دهد. البته نظریات اریک هابزبام محور بحث است؛ هابزبام در کتاب «نوآوری سنت» معتقد است که ماهیت ملت‌ها را می‌توان با تحلیل سنت‌های ملی دریافت و سنت‌های ملّی نیز ابداعی هستند. این سنت‌ها، ارتباط حال را با آینده برقرار می‌کنند و اجازه نمی‌دهند تا سنت‌های تاریخی، به دلیل سرعت تحولات اجتماعی از بین بروند. (ص ۱۱۸)

بنابراین به نظر هابزبام ملّی‌گرایی یکی از این سنت‌های ابداعی است (ص ۱۲۰) و ملت‌ها توسط ملّی‌گرایان ساخته می‌شوند. در واقع اینان نوعی مهندس اجتماعی برای حفظ همبستگی و انسجام گروهی می‌باشند. (ص ۱۲۱) و «ملّی‌گرایی جانشینی برای رؤیاهای از دست‌رفته است.» (ص ۱۲۴) اسمیت در ادامه همین فصل به بحث درباره دیدگاه‌های بندیکت اندرسون می‌پردازد، اندرسون در کتابی با عنوان «اجتماعات

فصل پنجم «آرمان‌گرایی سیاسی» نام دارد. به زعم نویسنده همه پژوهشگران توافق نظر دارند که ملّی‌گرایی به‌عنوان یک ایدئولوژی و جنبش، پدیده نوینی است. (ص ۹۷) زیرا از اواخر قرن هجدهم به این طرف است که جامعه ایدئولوژی پوشیده و به‌صورت یک «مذهب سیاسی» درآمد است. اسمیت در این فصل دیدگاه‌های الی‌کدوری<sup>۱</sup> را درباره ملّی‌گرایی در جوامع استعماری، به نقد می‌کشد. البته مبنای داوری او اثری است از کدوری به نام «ملّی‌گرایی در آسیا و آفریقا». به نظر کدوری، ملّی‌گرایی از سنت فلسفی روشنگری، و به‌ویژه از دکترین کانت - خواست خوب فقط می‌تواند خواست مستقل باشد - ناشی می‌شود و سپس از طریق اندیشه‌های رومانتیستی - آلمانی گسترش می‌یابد. به نظر وی، ملّی‌گرایی می‌تواند در کشورهای مستعمره به‌عنوان عامل محرکه بنیادگرایی سیاسی، نقش‌رهایی بخش داشته باشد.

فصل ششم کتاب با عنوان «نوآوری

اندامواره‌ای بر مبنای اعتقاد به این اصل بنا شده که جهان از ملت‌هایی طبیعی تشکیل شده و ملت‌ها بازیگران اصلی در «نمایش‌های» تاریخی بوده‌اند. (ص ۱۴۶)

بنابراین برخلاف انگاره مسلط نوگرایانه، با نوسازی به وجود نیامده، بلکه به کهنسالی تاریخ بشریت و ازلی<sup>۳</sup> می‌باشد. ملی‌گرایی در این نگرش، حدفاصل میان گروه‌های قومی است. کلیفورد گیرتز<sup>۴</sup> معتقد است که پیوندهای خونی و خویشاوندی، نژاد، زبان، منطقه، مذهب و آداب و رسوم، مفاهیمی کاملاً ازلی هستند و اتفاقاً وجود دولت‌های جدید را همواره تهدید می‌کنند. (صص ۱۵۳-۱۵۱)

مؤلف در فصل هشتم با نام، «نمادآوری - قومی»، این انگاره نوگرایانه را از منظر نمادها و نشانه‌ها مورد نقد قرار می‌دهد. در این رهیافت، ملت‌ها پدیده‌هایی همزاد تاریخ تمدن و

خیالی» ملی‌گرایی را پدیده‌ای ذهنی و فرهنگی می‌شمارد.

او پدیده ملی‌گرایی را به مسأله «مرگ» نسبت می‌دهد و می‌گوید، انسان‌ها در عصر نوین در معرض فراموشی و نابودی قرار دارند و فقط حافظه جمعی می‌تواند بشر را از پوچ‌گرایی و تهدید فراموشی نجات بخشد. ملی‌گرایی به این معنا شبیه مذهب است و کارکردی هویت‌بخش دارد. (ص ۱۳۲) و در عین حال پدیده‌ای نوین است زیرا برای رو در رویی با پوچ‌گرایی نوین<sup>۱</sup> تدارک دیده شده است. اندرسون، فرانواگراست. زیرا همانند ژان فرانسویس لیوتار معتقد به هیچ‌گونه «فرا روایتی» نیست؛ حال آنکه ملی‌گرایی در عصر نوگرایی یکی از این فرا روایت‌هاست.

آنتونی اسمیت در بخش دوم کتاب خود، انگاره‌های معارض با پارادایم نوگرایانه ملی‌گرایی را بررسی می‌نماید. یکی از قدیمی‌ترین آنها، انگاره دیرینه‌گرایی<sup>۲</sup> است، که برخلاف انگاره نوگرایانه، «اندامواره» است. ملی‌گرایی

1- Modern Nihilism

2- Primordialism

3- Primordial

4- Clifford Geertz

ملّی‌گرایی با نگاهی به تحولات جاری پایان قرن بیستم مانند «فرانوگرایی» و «جنبش زنان»، است. اسمیت در این فصل چهار مسأله عمده را که ممکن است بر گفتمان ملّی‌گرایی تأثیرگذار باشند، بررسی می‌کند که عبارت‌اند از:

۱- تأثیر جنبش‌های مردمی جاری بر آینده دولت - ملت و هویت ملّی.

۲- تأثیر «جنبش زنان» بر ماهیت برنامه‌ها و اجتماعات ملّی.

۳- تأثیر گفتمان‌های مسلط سیاسی و هنجاری بر مسائل شهروندی، آزادی مدنی و ملّی‌گرایی و انواع قومی آن.

۴- تأثیر فرایند جهانی‌شدن و طرح‌های جهانی فرامردن بر حاکمیت ملّی و هویت ملّی.

### نکته پایانی

اثر «ملّی‌گرایی و نوگرایی»، پرمحتوا و تحلیلی است. و اگرچه نویسنده دشوارنویس است و مطالعه کتاب را برای خواننده - به‌ویژه خواننده ایرانی، دشوار می‌کند، اما مطالعه آن از چند جهت حائزاهمیت است: نخست اینکه،

بشریت هستند و البته براساس «هویت‌های قومی» از یکدیگر متمایز شده‌اند. به نظر خود اسمیت، هویت ملّی در بسیاری از ملل و کشورهای باستانی مانند یونان، ایران، چین، ژاپن و نیز ارمنی‌ها و یهودی‌ها وجود داشته و اکنون بعد از تغییرات وسیع فرهنگی هم‌چنان حفظ شده است. (ص ۱۹۱)

به نظر او، در تحلیل خرد، موضوع تأکید «از ملّی‌گرایی‌ها به ملت‌ها و از ملت‌ها به اجتماعات قومی» تغییر نموده است. بررسی «قومیت» برای شناخت چگونگی شکل‌گیری ملت‌ها و اینکه چرا انواع ملّی‌گرایی دارای چنین ویژگی‌ها و محتوای متمایزی هستند، اساسی است و کانون این تحلیل، نقش اسطوره‌ها، خاطرات، ارزش‌ها، سنت‌ها و نمادهاست. (ص ۱۹۱) به نظر اسمیت، این نمادها هستند که سرنوشت یک ملت را تعیین می‌کنند و رقم می‌زنند و عصر تجدّد، این نمادها و اسطوره‌های کهن ملت‌ها را بازتولید کرده است. (ص ۲۲۴)

عنوان فصل نهم کتاب «در فراسوی عصر نوسازی»، و موضوع آن آینده

مسلط نوگرایانه ملی‌گرایی را در چند فصل مطرح و دیدگاه خود را بیان سازد. بنابراین، خواننده با چشم‌اندازهای وسیع‌تری رو در رو می‌شود و یک مسأله را از چشم‌اندازهای گوناگون می‌بیند.

منصور انصاری

حاوی مجموعه‌ای کامل از نظریه‌های مختلف درباره ملی‌گرایی است و در این حوزه نادر و کم‌نظیر محسوب می‌شود. دوم اینکه، اسمیت تلاش دارد منتقدانه به این نظریه‌ها نگاه کند و نکات و دقایق مسأله شناختی<sup>۱</sup> آنها را یادآور شود. سوم اینکه، نویسنده، به‌ویژه در بخش دوم کتاب می‌کوشد تا بدیل‌های انگاره

